



## The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd. Year/NO: 4 Winter 2022

### قرارداد آتی در حقوق ایران و فقه امامیه

مصطفی یوسف زاده گندوانی<sup>۱</sup> جواد نیک نژاد<sup>۲</sup> بهنام قنبرپور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

### چکیده

قراردادهای آتی از انواع اوراق مشتقه و یکی از ابزارهای تأمین مالی بازارهای بورس و اوراق بهادار است که اخیراً در حوزه‌های مختلف اقتصاد از جمله انرژی، صنعت و کشاورزی رواج یافته است و ضمن پوشش ریسک و افزایش ظرفیت بازارهای مالی، در گستره مهندسی مالی و توسعه اقتصادی کشورها نیز نقش بهینه و حائز اهمیت را ایفا می‌کند. تمامی مشخصات و شرایط فرایندهای اجرایی قراردادهای آتی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار کشور تعیین و استانداردسازی شده است. ماهیت این نوع قراردادها تعهد به فعل حقوقی انشای عقد بیع در آینده معین است. علاوه بر آن، مطرح بودن وجه تضمین به صورت شرط ضمن عقد در این قرارداد و همچنین امکان تعدیل ثانوی وجه تضمین و اباحه تصرف در آن قبل از تسویه و نیز پیش‌بینی تبدیل تعهد تحویل موضوع معامله در سررسید و همچنین امکان اتخاذ موضع معکوس و منتفی ساختن معامله در قبل از سررسید و سایر موارد مطروحه، پیچیدگی کم‌نظیری به این‌گونه قراردادها داده است، به نحوی که از نظر شرعی و فقهی با شبهات عدیده‌ای مانند قمار و صوری بودن معامله و کالی به کالی بودن آن و همچنین غرری بودن معامله و غیره مواجه شده است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن معرفی ماهیت و احکام و آثار قراردادهای آتی از منظر حقوق داخلی و ضمن مقایسه آن از جهات گفته‌شده با آموزه‌های فقه امامیه، شبهات وارد شده به این نوع قرارداد مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** قرارداد آتی، وجه تضمین، تعدیل ثانوی، اباحه تصرف، بورس، معامله معکوس.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم پایه، واحد آیت اله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. myousefzadeh17@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران. (نویسنده مسؤل) j.niknejad@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران. behnamghanbarpor45@yahoo.com

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- بیان موضوع

توسعه اقتصادی سده‌های اخیر در جهان و افزایش کم‌نظیر ظرفیت بازارهای مالی و گستره مهندسی مالی و تبدیل گسترده دارایی‌ها به اوراق بهادار باعث پیدایش ابزارهای مالی جدیدی شده است که قراردادهای آتی به‌مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای جدید مالی در دنیا و همچنین کشور ما مطرح شده است. این ابزار مالی علاوه بر پوشش ریسک و کشف قیمت تعادلی، فرصت سرمایه‌گذاری بهینه‌ای را در معاملات مالی ایجاد نموده و در نتیجه کارایی آن، حجم معاملات آتی در سال‌های اخیر به حدی رشد کرده است که عملاً اندازه بازار آتی برای بعضی کالاها چندین برابر بزرگ‌تر از بازار نقدی‌ای است که در آن معاملات به صورت فیزیکی و تحویل کالا انجام می‌شود. برای نمونه حجم معاملات آتی گندم در مورد معاملات شیکاگو در طی سال ۲۰۰۸ تقریباً ۴۵ برابر تولید گندم در آن کشور بوده است. همچنین حجم کل معاملات آتی در دنیا از ۱۲/۰۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به ۱۵/۸۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسیده است که رشدی بالغ بر ۳۲ درصد را در این سال‌ها نشان می‌دهد. جالب‌تر آن‌که قراردادهای آتی کالایی در این میان، ۲۰ درصد از حجم کل و حجم قراردادهای آتی مالی بالغ بر ۸۰ درصد بوده است (عبده تبریزی، ۱۳۹۷، ص ۴۰).

کشور ما با داشتن معادن غنی و محصولات کشاورزی و باغی و دامی و همچنین فلزات مختلف و نفت خام و محصولات پتروشیمی، در هر دو زمینه قراردادهای آتی کالایی و مالی، شرایط ایده‌آلی دارد و زمینه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای و حتی جهانی برای ما در این زمینه‌ها فراهم است. همچنین ضرورت توسعه فوری و گسترده بورس‌های کالایی در اقتصاد ایران که معاملات آن‌ها در قالب قراردادهای نقدی، سلف و آتی انجام می‌شود، اهمیت مطالعه و بررسی فقهی حقوقی و اقتصادی این ابزار مالی را در راستای بومی‌سازی آن نمایان‌تر می‌سازد.

## ۱-۲- پیشینه پژوهش

علی‌رغم جست‌جوهای بسیار، پژوهشی که به صورت جامع و مانع به بررسی قراردادهای آتی پرداخته باشد و مطابقت این‌گونه قراردادها را از نظر ماهیت و آثار و احکام با ضوابط حقوق سنتی کشور و همچنین آموزه‌های فقه امامیه مورد توجه قرار داده و نتیجه را به جامعه حقوقی و اقتصادی کشور عرضه نموده باشد، دستیاب نشد و تنها در نمونه‌های محدودی از این بررسی‌ها، موضوع از منظر حقوقی صرف یا فقهی صرف یا اقتصادی صرف مورد توجه قرار گرفته که طبیعتاً فارغ از موضوع این مقاله است.

## ۱-۳- اهداف پژوهش:

اهداف این پژوهش تثبیت هرچه بیشتر و بهتر این ابزار جدید در بازارهای مالی و رفع هرگونه تردید و ابهام در استفاده از این ابزار و جلب حمایت همه‌جانبه متولیان مربوط به منظور ایجاد تنوع در معاملات اقتصادی در بازارهای مالی داخلی و حتی بین‌المللی و در نهایت برجسته کردن بیشتر نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور است.

#### ۴-۱- نوآوری تحقیق

جنبه جدید بودن و نوآوری این مقاله مقایسه سه‌جانبه قراردادهای آتی با ویژگی‌های حقوق ایران و آموزه‌های فقه امامیه با نیم‌نگاهی به ضرورت‌ها و اقتضائات اقتصادی کشور در خصوص تقویت اقتصاد مقاومتی است؛ تقویتی که از طریق مشارکت بیشتر بخش خصوصی در توسعه اقتصادی کشور با بومی‌سازی این ابزار مالی و رفع شبهات و تردیدهای موجود در استفاده عمومی جامعه مذهبی کشور و تجار متشع، از این ابزار مالی خواهد بود.

#### ۴-۱- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای با مراجعه به کتاب‌ها، مجلات و پایان‌نامه‌ها و همراه با توصیف و تحلیلی کیفی و تجزیه و تحلیل محتوایی و توسعه‌ای و در نهایت تفسیر و نتیجه‌گیری از یافته‌ها خواهد بود.

#### ۲- قراردادهای آتی در حقوق ایران

##### ۲-۱- معرفی و تبیین قراردادهای آتی در حقوق ایران

در حقوق موضوعه کشورمان برای اولین بار در آئین‌نامه معاملات بورس فلزات تهران<sup>۱</sup> و در نتیجه اختیارات حاصل از بند ب ماده ۹۵ قانون برنامه سوم توسعه<sup>۲</sup> به قراردادهای آتی اشاره شده است. در بند ۱۵ ماده یک این آئین‌نامه، قرارداد آتی به عنوان شرط ضمن عقد سلف به این صورت تعریف شده است:

«قرارداد آتی قراردادی است که به عنوان شرط ضمن عقد لازم معامله سلف می‌توان آورد و به موجب آن عرضه‌کننده فلز (فروشنده) هنگام معامله سلف، به مقدار وجه دریافتی تعهد می‌کند که مقدار معینی از همان فلز با مشخصات منطبق با استاندارد بورس را در زمان معین و با قیمت مشخص به طرف قرارداد تحویل نماید و خریدار نیز تعهد خرید می‌دهد و هر طرفی که از انجام تعهد تخلف نماید، باید مبلغ معینی به طرف دیگر بپردازد.»

همین تعریف عیناً در بند ۱۵ ماده ۱۱ آئین‌نامه معاملات بورس کشاورزی نیز تکرار، و به جای فلز تعهد به خرید و فروش کالا ذکر شد؛ اما با وجود تصویب مقررات یادشده، قرارداد آتی به استناد این مقررات عملیاتی نشد تا این که سرانجام پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار<sup>۳</sup> و اشاره به قراردادهای آتی در ضمن تعریف بازار مشتقه، شورای عالی بورس و اوراق بهادار به استناد اختیار حاصل از بند ۴ ماده ۴ قانون بازار که تصویب ابزارهای مالی جدید را در صلاحیت شورا دانسته است، قرارداد آتی را به عنوان ورقه بهادار شناسایی کرد و متعاقباً دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران به پیشنهاد بورس کالای ایران<sup>۴</sup> در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۹ به تصویب هیئت‌مدیره سازمان رسید.

۱ آئین‌نامه معاملات بورس فلزات تهران، مصوب ۶ شهریور ۱۳۸۲ شورای عالی بورس.

۲ ماده ۹۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷: شورای بورس مجاز است: الف) نسبت به راه‌اندازی بورس‌های منطقه‌ای در سطح کشور در چهارچوب قانون بورس اقدام کند. ب) تمهیدات قانونی لازم جهت قابل معامله نمودن سایر ابزارهای مالی در بورس اوراق بهادار، علاوه بر موارد مندرج در بند ۲ ماده ۱ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵/۲/۲۵ را فراهم کند. ج) نسبت به ایجاد بورس کالا با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام نماید.

۳ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ مجلس شورای اسلامی

۴ دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۱۹

همچنین در خصوص قرارداد آتی مبتنی بر اوراق بهادار، دستورالعمل معاملات قرارداد آتی سهام در بورس اوراق بهادار تهران<sup>۱</sup> در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۲ به تصویب هیئت مدیره سازمان رسیده مطابق بند ۴۱ ماده یک دستورالعمل آتی سهام قرارداد آتی سهام قراردادی است که فروشنده تعهد می کند در سررسید تعیین شده، تعداد معینی از سهم پایه را به قیمت مشخصی که در زمان انعقاد قرارداد تعیین می شود، بفروشد و در مقابل خریدار متعهد می شود آن سهام را در تاریخ سررسید خریداری کند... و بدین ترتیب در قرارداد آتی طرفین متعهد به انجام بیع دارایی معین در آینده می شوند (سلطانی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۶).

به عبارت دیگر موضوع قرارداد آتی از نظر حقوقی نوعی تعهد به فعل حقوقی انشای عقد بیع در آینده است و از آنجاکه هر یک از طرفین در برابر دیگری متعهد به انشای بیع می شود، قرارداد آتی را می توان عقدی معوض و عهدی به شمار آورد؛ به خصوص با توجه به این نکته حائز اهمیت که قانون مدنی کشور ایران نیز در ماده ۲۱۴ مورد معامله را اعم از مال یا عمل دانسته است که هر یک از متعاملین، تعهد تسلیم یا ایفای آن را می نمایند، و عمل نیز با اطلاق خود شامل عمل مادی و عمل حقوقی هم می شود، لذا از نظر قانونی، دیگر تردیدی در صحت معاملات آتی نمی ماند به خصوص این که از حیث عملک مورد تعهد در قرارداد، تفاوتی بین عمل مادی و عمل حقوقی وجود ندارد (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۲۴).

در تأکید بیشتر این امر می توان به وضع ماده ۱۰ قانون مدنی اشاره کرد و اذعان داشت که با وضع این ماده در حقوق ایران، دیگر مجالی برای تردید در اعتبار قراردادهای آتی و به طور کلی قراردادهایی که دارای الگوی عقد بانام نیستند و نیز مخالفی با موازین قانونی ندارند، باقی نمی ماند. از این رو قراردادهای آتی را که موضوع آنها انشای عقد بیع در آینده است، اگر نتوان در قالب عقود بانام جای داد، به یقین می توان جزء مصادیق عقود قرار داد که در ماده ۱۰ قانون مدنی با نام قراردادهای خصوصی معرفی شده اند و در این راستا، هیچ مانع قانونی و دلیل حقوقی اعتبار قراردادهای آتی را نفی نمی کند. قراردادی که تمام سپرده های تضمینی، نقش اتاق پایاپای، و صور خاتمه قرارداد آن جزء لوازم و اقتضائات آن بوده و ورود به این بازار به منزله پذیرش تمام این امور به عنوان لوازم عرفی این نوع از بازارهای آتی است (علیدوست، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

## ۲-۲- ماهیت قراردادهای آتی در حقوق ایران

شورای عالی بورس در یکی از مصوبات خود<sup>۲</sup> ابزار قرارداد آتی را نوعی مبادله تعهد در مقابل تعهد معرفی می کند به این صورت که طرفین در زمان حال، تعهد به انجام بیع نقد در آینده معین را توافق می کنند و در سررسید، بیع نقدی اتفاق می افتد. درباره پرداخت حساب ودیعه و تعدیل روزانه حساب ودیعه نیز می توان گفت که از مصادیق های شرط های ضمن عقد این قرارداد است که طرفین توافق می کنند جهت ضمانت عقد اولاً مبلغی را نزد اتاق پایاپای قرار دهند و ثانیاً متناسب با نوسان های بازار آتی، مقادیر این حساب با ودیعه تعدیل شود تا هیچ طرفی از طرفین قرارداد به نکول در قرارداد تمایل نداشته باشند و اگر طرفی نکول کرد، خسارتی به طرف دیگر وارد نشود.

در خصوص ماهیت تسویه نقدی (پیش از سررسید) نیز می توان گفت که از مصادیق انتقال تعهد است بدین شرح که ابتدا طرفین قرارداد، تعهد تحویل کالا را به تعهد تحویل ارزش ریالی آن تبدیل می کنند و سپس با توجه به این که هر دو تعهد

۱ دستورالعمل معاملات قرارداد آتی سهام در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۸۹/۰۴/۱۲

۲ مصوبه ابزار مالی قراردادهای آتی و مقررات مربوط به معاملات قرارداد آتی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱ شورای عالی بورس

بایع و مشتری به جنس واحد یعنی پول تبدیل می‌شود به میزان مشترک مورد تهاوتر واقع می‌شود و الباقی نیز به صورت نقدی تسویه می‌شود و به این ترتیب چرخه تسویه نقدی پیش از سررسید تکمیل می‌گردد.

### ۳-۲- احکام و آثار قراردادهای آتی در حقوق ایران

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، فروشنده بر اساس قرارداد آتی متعهد می‌شود تا در سررسید معین، مقدار معینی از کالای مشخصی را به قیمتی که در زمان حال تعیین می‌کنند، بفروشد و در مقابل، طرف دیگر متعهد می‌شود آن کالا را با آن مشخصات در سررسید خریداری کند و در ادامه برای جلوگیری از امتناع طرفین از انجام قرارداد، متعاملین به صورت شرط ضمن عقد، متعهد می‌شوند که مبلغی را به عنوان وجه تضمین نزد کارگزار بورس یا اتاق پایاپای بگذارند و باز متعهد می‌شوند که متناسب با تغییرات قیمت آتی موضوع معامله، وجه تضمین را تعدیل کنند.

در همین ارتباط کارگزار بورس یا اتاق پایاپای از طرف آن‌ها وکالت دارد متناسب با تغییرات قیمت مورد معامله آتی، بخشی از وجه تضمین هر یک از طرفین را تحت عنوان اباحه تصرف، در اختیار دیگری قرار دهد و نامبرده حق استفاده از آن وجوه را خواهد داشت تا این‌که طرفین در سررسید با هم تسویه کنند (فرخی، ۱۳۹۵، ص ۴۱۲).

همین معنا در حقوق کشور، در قالب بند ۴ ماده ۴ قانون بازار اوراق بهادار که اختیار تصویب ابزارهای مالی جدید را به شورای عالی بورس و اوراق بهادار تفویض کرده است و بر اساس آن، این شورا ابزار مالی قرارداد آتی را در قالب مبادله تعهد در مقابل تعهد تصویب نموده است نیز مشاهده می‌شود. این شورا در مصوبه ابزار مالی قراردادهای آتی و مقررات مربوط به معاملات قرارداد آتی خویش<sup>۱</sup> تصریح نموده است که:

«فروشنده بر اساس قرارداد آتی متعهد می‌شود تا در سررسید معلوم مقدار معینی از کالای مشخصی را به قیمتی که الان تعیین می‌کنند، بفروشد و در مقابل طرف دیگر قرارداد متعهد می‌شود آن کالا را با آن مشخصات خریداری کند و برای جلوگیری از امتناع از انجام قرارداد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد، متعهد می‌شوند مبلغی را به عنوان وجه تضمین نزد کارگزار بورس یا اتاق پایاپای بگذارند و متعهد می‌شوند متناسب با تغییرات قیمت آتی، وجه تضمین را تعدیل کنند و کارگزار بورس یا اتاق پایاپای از طرف آنان وکالت دارد متناسب با تغییرات، بخشی از وجه تضمین هر یک از طرفین را به عنوان اباحه تصرف در اختیار دیگری قرار دهد و او حق استفاده از آن را خواهد داشت تا در سررسید با هم تسویه کنند. هر یک از متعهد فروش یا متعهد خرید می‌توانند در مقابل مبلغی معین، تعهد خود را به شخص ثالث واگذار کنند که وی جایگزین او در انجام تعهد خواهد بود.»<sup>۲</sup>

توجه به این نکته اساسی خالی از لطف نخواهد بود و آن این‌که قراردادهای آتی معمولاً از نظر آثار قرارداد به تحویل فیزیکی کالا منتهی نمی‌شود زیرا تسلیم و تسلیم‌داری پایه اغلب مشکل و در مواردی پرهزینه است بنابراین سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند پیش از فرارسیدن زمان تحویل، به شیوه‌های دیگری موضع معاملاتی خویش را مسدود کنند. درعین حال اغلب قراردادهای آتی سهام، سکه و ارز به تحویل منتهی می‌شوند زیرا در این قراردادها هزینه و مشکلات حمل و نقل و

۱ مصوب ۱ بهمن ۱۳۸۶ شورای عالی بورس و اوراق بهادار کشور

۲ سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱: ۱۳۰۱

انبارداری وجود ندارد و با تحویل دارایی پایه از نظر حقوقی ایفای تعهد شده است و ایفای تعهد نیز از اسباب سقوط تعهدات به شمار خواهد آمد.

اما در خصوص تسویه نقدی که در اکثر قراردادهای آتی وسیله خاتمه قرارداد محسوب می شود همان طور که پیش تر عنوان شد، پس از انعقاد عقد نهایی و با استفاده از شرط ضمن عقد قرارداد آتی و با توافق طرفین قرارداد و تبدیل تعهد به اعتبار موضوع تعهد، تعهد تحویل کالا یا اوراق بهادار با تعهد به تحویل پول به میزان و معادل ارزش ریالی زمان توافق بر تبدیل تعهد، جایگزین می شود. به این ترتیب با یکسان شدن موضوع تعهد طرفین معامله، میان دو دین آن ها، به میزان کمترین آن تهاتر حقوقی انجام شده و سپس بدهکار، تفاوت میان دو دین را به طلبکار پرداخت می کند و به این ترتیب تسویه نهایی انجام می شود. شرط اساسی و راهکار عملی تجویز این مهم در این است که در هنگام انعقاد قرارداد آتی شرط شود که ذی نفع حق دارد در سررسید قرارداد به جای مطالبه دارایی پایه، قیمت روز آن را خواستار شود.

علاوه بر آن تسویه نقدی می تواند به عنوان عرف رایج بازارهای آتی یکسان شناخته شده و با استناد به مواد ۲۲۰<sup>۱</sup> و ۲۲۵ قانون مدنی به عنوان امری متعارف به منزله ذکر در قرارداد تلقی شود و از این طریق، متبایعین را ملزم و مأخوذ کند. یکی دیگر از مانورهایی که سرمایه گذار در این ابزار نوین مالی می تواند بدهد، بستن موضع معاملاتی خود از طریق معاملات ثانویه است. این امر یکی دیگر از آثار مهم این معاملات است که مبنای مشروع قانونی دارد. بر همین اساس و برای بستن موضع معاملاتی در قرارداد آتی، سرمایه گذار باید معامله جدیدی، عکس معامله قبلی خود، منعقد کند. بدین معنا که اگر موضع قبلی او خرید بوده است، نسبت به فروش همان قرارداد آتی خریداری شده اقدام کند و اگر موضع او فروش بوده است، نسبت به خرید همان قرارداد آتی فروخته شده اقدام نماید.

از این روش، عمده معامله گران بازار آتی استفاده می کنند و پیش از سررسید معامله مورد تعهد، با شیوه انجام معامله معکوس به حضور خود در بازار آتی پایان می دهند. از نظر تحلیل حقوقی، معامله معکوس را می توان نوعی تهاتر محسوب کرد که موجب سقوط تعهد می شود.

اساسی ترین نقش را در این خصوص باید نقش و وظیفه اتاق پایاپای در این بازار و به عنوان تضمین معاملات طرفین به حساب آورد که بدون این تأثیرگذاری شگرف در بازارهای آتی و توسط اتاق پایاپای، انجام معاملات معکوس متصور نخواهد بود. در توضیح بیشتر این نقش اساسی می توان این طور گفت که نوع تضمین اتاق پایاپای در معاملات آتی از نوع نقل ذمه به ذمه بوده و انجام معامله معکوس سبب می شود که معامله کننده در مقابل اتاق پایاپای نسبت به موضوع واحد با زمان و مکان تأدیة واحد، هم طلبکار و هم بدهکار شود و بدین طریق میان دو دین یا دو طلب همسان به صورت قهری تهاتر صورت می گیرد و در همین راستا و برای تسهیل همین امر است که موضوع قراردادهای آتی در بازارهای آتی از جهات گوناگون یکسان بوده و به اصطلاح استانداردسازی می شود تا معامله معکوس آن در بازارهای بورس تسهیل شود.

۱ ماده ۲۲۰ قانون مدنی: عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است، ملزم می نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند

۲ ماده ۲۲۵ قانون مدنی: متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است

در پایان این قسمت، ذکر این نکته لازم است که نوع دیگری از قرارداد آتی تحت عنوان پیمان آتی مرسوم است که از نظر ماهیتی مشابه قرارداد آتی است و تنها تفاوت بین آن دو، در این مهم است که قرارداد آتی تا حد قابل توجهی استاندارد است و در بازارهای سازمان یافته و متشکل مبادله می شود و اتاق پایاپای در تمامی قراردادهای آتی نقش طرف مقابل را ایفا می کند. همچنین دولت بازار قراردادهای آتی را با قوانین کنترل می کند و انتظام می بخشد ولی پیمان آتی جزء ابزارهای سفارشی ای است که مطابق با نیازها و خواست های طرفین معامله بدون حضور و وساطت اتاق پایاپای و در محیطی خارج از بازارهای سازمان یافته و به صورت اختصاصی منعقد می شوند و انتظام یافته هم نیستند و شرایط آن کلاً تابع توافق طرفین معامله و مطابق عرضه و تقاضای بازار خواهد بود (فرخی، ۱۳۹۵، ص ۹۲).

### ۳- قرارداد آتی در فقه امامیه

#### ۳-۱- ماهیت قرارداد آتی در فقه امامیه

همان گونه که پیش تر اشاره شد، قرارداد آتی ترکیبی از دو توافق و قرارداد است. این دو توافق و قرارداد عبارت اند از توافق به انجام بیع نقد در زمان مشخصی در آینده و همچنین عقد بیع نقدی در سررسید زمان آینده معین و توافق شده به این معنا که در زمان عقد قرارداد آتی، ماهیت این قرارداد یک توافق و تعهدی الزام آور برای انجام بیع نقد در آینده است. به عبارت بهتر طرفین قرارداد در زمان حال به انجام بیع در زمان آینده متعهد می شوند اما در سررسید، قرارداد آتی بر اساس توافق قبلی برای انجام بیع در همان چهارچوب توافق شده قبلی، منعقد می شود. بر همین مبنا درباره ماهیت اصلی قرارداد آتی در فقه امامیه می توان گفت که این قرارداد توافق نامه ای الزام آور به انجام بیع در زمان آینده است و از دیدگاه فقه امامیه انجام بیع نقد در سررسید مشخص در آینده، قراردادی مشروع و مورد تأیید آموزه های فقهی فقه امامیه خواهد بود. در نتیجه این بخش از قرارداد آتی در حوزه ماهیت قرارداد به طور کامل منطبق بر فقه امامیه و مورد تأیید است. قراردادهای آتی هم در حوزه توافق عقد قرارداد آتی و هم در حوزه خود قرارداد اصلی در سررسید آینده توافق شده توسط طرفین قرارداد است و بر این پایه می توان این طور عنوان کرد که قرارداد آتی رایج در بازارهای متعارف، اشکال فقهی از نظر ماهیت قراردادی ندارد چراکه فقها تعهد بر انجام عمل حقوقی را صحیح دانسته اند و آن را به صورت شرط ضمن تلقی نموده و معتقدند که اجبار مشروط علیه به انجام عمل حقوقی، در صورت خودداری او از انجام عقد، ممکن و میسر است (موسوی، بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲۷۴؛ منتظری، ۱۳۸۶، ص ۳۲۴)

این در حالی است که به کمک تحلیل مسئله و در نظر گرفتن ضوابط فقهی مانعی برای اعتبار قراردادی که موضوع آن عمل حقوقی باشد، به نظر نمی رسد زیرا همان طور که قبلاً ذکر شده است، از حیث عمل مورد تعهد در قرارداد، تفاوتی بین عمل مادی و عمل حقوقی وجود ندارد (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۲۴) و قانون مدنی هم که از فقه غنی امامیه و از نظر مشهور در غالب موارد پیروی نموده است، در ماده ۲۱۴ خود<sup>۱</sup> مورد معامله را مال یا عملی دانسته که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفای آن را می نمایند و عمل هم با اطلاق خود شامل عمل حقوقی نیز خواهد شد.

دیگر این که طبق آموزه های فقه امامیه بیع مؤجل به مؤجل در صورتی که یکی از ثمن یا مثن دین نباشد، صحیح بوده و فقط فروش دین به دین است که دارای اشکال فقهی است و تازه آن هم در فرضی است که دین پیش از عقد موجود

۱ ماده ۲۱۴ قانون مدنی: مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفای آن را می کنند

باشد نه این که مورد معامله به واسطه عقد دین شود که در مانحن فیه و در قراردادهای آتی موضوع موردتعهد معامله و نیز در سررسید خود معامله دین پیش از عقد نیست بلکه تمامی تعهدات این دو قرارداد تشکیل دهنده ارکان قرارداد آتی به واسطه عقد و پس از آن صورت تعهد به خود می گیرند و در نتیجه از این جنبه هیچ گونه مغایرتی با آموزه های فقه امامیه ندارند و قابل تطبیق کامل با آن خواهند بود.

حتی انواع دیگر قراردادهای آتی هم از جمله قرارداد آتی سبد سهام و قراردادهای آتی ارز نیز این گونه است و در همین راستاست که کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار نیز اخیراً به این نتیجه رسیده است که چون تمامی این قراردادها بر پایه معامله و مبادله دو تعهد قرار دارد که حین عقد و نه قبل از عقد به وجود می آید، لذا معاملات این نوع از قراردادهای آتی نیز مبادی با فقه امامیه ندارد و در هر حال محکوم به صحت خواهد بود (فرخی، ۱۳۹۵: ۴۵۵ و ۴۵۶). همین معنا را هم تعدادی از محققان در مقایسه قراردادهای آتی با معاملات کالی به کالی<sup>۱</sup> مورد توجه قرار داده اند (لطفی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۷) و نتیجه گرفته اند که از نظر ماهیت معاملات قراردادهای آتی با معاملات کالی به کالی تفاوت اساسی دارد زیرا که تعهد بر خرید و فروش که در قرارداد آتی صورت می پذیرد متفاوت از خرید و فروش یا بیع است که در معاملات کالی به کالی انجام می شود؛ به عبارت بهتر و در واقع امر با توجه به این که ماهیت قراردادهای آتی بر مبنای یک عقد تعهدی مستقر شده است که در آن چیزی بیشتر از تعهد مبنی بر خرید و فروش دارایی پایه صورت نمی گیرد، فلذا مشابهتی با معامله و بیع کالی به کالی ندارد که در آن خرید و فروش و نه تعهد خرید و فروش، محقق می شود و در حقیقت، از نظر حقوقی با عقد جدید در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی مواجه هستیم که از لحاظ فقهی در قالب عقد صلح یا شرط ابتدایی<sup>۲</sup> و به عبارت دیگر تعهد در برابر تعهد قابل توجیه خواهد بود (اشرفی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰؛ محقق داماد، ۱۳۶۳، ص ۵۰ و ۵۱).

برخی از ایرادات دیگر در خصوص ماهیت قراردادهای آتی ناشی از عدم شناخت صحیح موضوع قرارداد و توصیف آن است؛ تشبیه ماهیت قرارداد آتی به بیع از جمله این خطاهاست که می تواند در نهایت به بی اعتباری قراردادهای آتی منجر شود زیرا در بیع امکان تأجیل هم زمان ثمن و مثن از نظر فقهی با تردید روبروست و این در حالی است که در هنگام انعقاد قرارداد آتی، تنها تعهد به بیع صورت می گیرد و این اساساً با بیع متفاوت خواهد بود و تفکیک تعهد به بیع که عقد عهدی است از بیع که عقدی تملیکی است در این خصوص راهگشا خواهد بود.

ایراد مهم دیگری که از منظر فقه امامیه در خصوص قراردادهای آتی وجود دارد و به آن پاسخ داده شده است، عدم وجود قصد معامله در قراردادهای آتی با فرض عدم قصد تحویل و تحول کالا در سررسید است. با توجه به این که در قراردادهای آتی عملاً درصد بسیار ناچیزی از این قراردادها به مرحله تحویل فیزیکی می رسند با این حال دقت در موضوع ما را به این نتیجه می رساند که ایراد عدم وجود قصد در قراردادهای آتی، ولو با فرض عدم قصد تحویل کالا، صحیح به نظر نمی رسد زیرا طرفین قرارداد آتی و آنچه به عنوان شرط ضمن عقد اراده متعاملین بر آن قرار گرفته است، تعهد به

۱ بیع کالی به کالی، بیع مبیع کلی مدت دار، در مقابل ثمن کلی مدت دار است و در این قسمت از بیع برخلاف بیع سلف که در آن ثمن فی المجلس از ناحیه فروشنده قبض می شود، پرداخت ثمن نیز دارای مدت است

۲ گرچه به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در محاکم کشورمان، قولنامه ها و تعهداتی که در قالب عقود معین نبودند، در بسیاری از موارد، به عنوان شرطی ابتدایی که لازم الوفا نیست، تحلیل شدند، اما امروزه کمتر از لازم الوفا بودن شرط ابتدایی سخن به میان می آید و از دیدگاه حقوقی نیز به دلایل متعدد، مطرود و غیرقابل دفاع است



تحویل کالا همراه با امکان خروج از بازار است که بر اساس و عقد شرط ضمن عقد قابل توجیه و بیانگر قصد واقعی معامله توسط متعاملین است و بر این مبنا ورود به معامله با داشتن قصد واقعی معامله منافاتی نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر طرفین قرارداد متعهد به انجام معامله موضوع قرارداد و در ضمن آن تحویل فیزیکی کالای موضوع معامله هستند و درعین حال این اختیار را برای همدیگر قائل شده‌اند که تحت شرایط معینی بتوانند از بازار خارج شوند. کما این که در یک بیع دارای شرط خیار نیز چنین وضعیتی حاکم است و وجود خیار منافاتی با قاطع و جدی بودن اراده متعاملین در انعقاد قرارداد ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۲۲۳ و ۲۲۴).

ایراد دیگری که در آموزه‌های فقه امامیه در تطبیق آن با قراردادهای آتی می‌توان مطرح کرد، وجود غرر در معامله است. غرر به معنای خطر است و معامله‌ای که در آن خطر باشد، از نظر فقه امامیه معامله غرری است. به عبارت بهتر، قراردادی که در آن خطر عدم قدرت بر تسلیم عوضین، خطر عدم اطلاع از ارزش عوضین و نیز خطر عدم اطلاع از اوصاف و شرایط معامله وجود دارد، از مصادیق شرعی قراردادهای غرری محسوب می‌شود.

در این خصوص باید اذعان کرد که هیچ معامله‌ای کاملاً مصون از خطر نیست و اگر صرف وجود خطر در معاملات، ملاک غرری بودن آن باشد لازم می‌آید که کلیه معاملات از این جهت با خدشه مواجه شوند و این در حالی است که عملاً و عرفاً این گونه نیست و روزانه صدها و هزاران معامله در بازارهای اسلامی منعقد می‌شود که کاملاً خالی از خطر نبوده و عرف به آن توجهی ندارد. این معنی در واقع به ما ملاکی می‌دهد تا ارزیابی صحیحی از موضوع داشته باشیم و آن این که غرر زمانی سبب بطلان معامله می‌شود که عرف آن را بااهمیت بداند و از آن اجتناب کند و در نتیجه احتمالاتی که عرف به آن‌ها ترتیب اثر نمی‌دهد، باعث بطلان عقد نخواهد شد (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱ و ۱۵۲).

با توجه به مراتب فوق ملاحظه می‌شود که عرفی شدن معاملات می‌تواند توجیه‌کننده صحت معاملات از نظر غرر تلقی شوند و این اصل مهم به هیچ وجه نباید در تحلیل نهایی معاملات مورد غفلت قرار گیرد و همواره باید این اصل مهم را در تبیین معاملات جدید و تحلیل آن‌ها از نظر شرعی ملحوظ نظر قرار داد؛ چراکه غرر در معاملات آتی غرر متعارف است و تشخیص متعارف بودن غرر امری موضوعی و نه حکمی است و استفاده فراوان و شیوع داشتن معامله‌ای در بین مسلمین و بازارهای مسلمانان به صورت عملی زایل‌کننده غرر و حاکی از معقول بودن ریسک نهفته در این نوع قراردادهاست و از طرف دیگر توجه به این نکته ضروری خالی از لطف نیست و آن این که در قراردادهای آتی عوضین معامله، معلوم و معین است و تغییر قیمت دارایی پایه در آتیه موجب به وجود آمدن غرر غیر متعارف در عقد نخواهد شد کما این که در بیع سلف نیز چنین وضعیتی ملاحظه می‌شود و تغییر قیمت و نوسانات آتی مبیع بعد از عقد قرارداد سلف، تغییری در تکلیف فروشنده به تحویل مبیع در سررسید نمی‌دهد و بایع نمی‌تواند به استناد نوسانات آتی قیمت مبیع و غرری بودن معامله از تعهد تحویل مبیع در سررسید استنکاف کند.

علاوه بر این، نام بردن از قراردادهای آتی در قانون بازار اوراق بهادار که به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسیده است، مؤیدی بر اعتبار داشتن شرعی و درعین حال معتبر بودن قانونی این گونه قراردادهاست. همچنین تأیید کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار کشور نیز نقطه پایانی بر شبهات در مشروعیت قراردادهای آتی است، اما هم‌چنان قرارداد آتی شاخص سهام واجد ایراد شرعی است و از نظر فقه امامیه قابل پذیرش نخواهد بود چراکه تحویل دارایی پایه

در این نوع قراردادها اساساً امکان‌پذیر نیست و بنابراین قصد تحویل موضوع قرارداد از همان ابتدا و از حین عقد معامله مفقود است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۸؛ صالح‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸ و ۱۰۹).

### ۲-۳- احکام و آثار قرارداد آتی در فقه امامیه

پس از تبیین ماهیت فقهی قراردادهای آتی لازم است تا ابعاد و آثار این نوع قراردادها نیز به لحاظ فقهی بررسی شود زیرا بسیاری از شبهات فقهی وارد شده به قراردادهای آتی مربوط به احکام و آثار قراردادهای آتی است به این معنا که ترکیب خود قرارداد و احکام و آثار آن باعث پدید آمدن شبهه‌های متعدد می‌شود. شبهه‌هایی مانند قمار به علت وجود تعدیل حساب ودیعه و دریافت سود و زیان نقدی است یا شبهه‌هایی مانند صوری بودن قرارداد آتی که از تسویه نقدی این نوع قراردادها ناشی شده است. برخی از محققان عقیده دارند که حساب ودیعه بخشی از ثمن قراردادی است که از پیش دریافت می‌شود (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در نقد این نظر می‌توان گفت که این نظریه در صورتی می‌تواند صحیح باشد که فقط طرف خریدار در قرارداد آتی این مبلغ را پردازد در صورتی که می‌دانیم در قرارداد آتی خریدار و فروشنده هر دو به پرداخت این مبلغ ملزم هستند. ثانیاً اگر این مبلغ بخشی از پیش‌خرید باشد، باید در اختیار فروشنده داریی قرار گیرد در صورتی که می‌دانیم این مبلغ در اختیار اتاق پایاپای قرار می‌گیرد و تا سررسید محفوظ می‌ماند. تعبیر دیگر این است که حساب ودیعه به‌عنوان یک شرط ضمن عقد برای انجام تعهدات مربوط به قرارداد آتی است به این صورت که طرفین قرارداد برای اطمینان یافتن از اجرای تعهدات مربوط به قرارداد، این مبلغ را در اختیار طرف ثالثی به نام اتاق پایاپای قرار می‌دهند و متعهد می‌شوند که با نوسانات قیمت داریی پایه در تحویل در موعد مقرر، این مبلغ تعدیل شود تا هیچ‌کدام از طرفین، در صورت نکول طرف دیگر ضرر نبینند یعنی این که خریدار داریی پایه، در صورت افزایش قیمت داریی پایه، در سررسید با نکول فروشنده روبرو نشود و فروشنده نیز در صورت کاهش قیمت داریی پایه در سررسید، با نکول خریدار روبرو نشود. این شرط به نحوی منعقد می‌شود که طرفین قدرت بر وفای آن را دارند و شرط غیرمقدور نیست و از طرف دیگر این شرط فایده‌ای عقلایی و غرضی معقول هم دارد و آن جلوگیری از نکول طرفین معامله است. همچنین شرط فوق مخالف کتاب و سنت هم نیست. هیچ‌آیه و روایتی در مخالفت با این شرط که نوعی ضمانت برای تحکیم و انجام معامله بین طرفین ایجاد می‌کند، وجود ندارد و فقه امامیه از باب عقلایی بودن این شرط هم مشکلی با این نوع شرط نخواهد داشت.

از طرف دیگر این شرط منافاتی هم با مقتضای عقد ندارد بلکه در جهت قوام و استحکام عقد اصلی است. علاوه بر آن، شرط مجهول نیز محسوب نمی‌شود چراکه پیش از عقد قرارداد آتی بین طرفین، میزان حساب ودیعه به‌صورت دقیق مشخص می‌شود و طرفین دقیقاً می‌دانند که چه میزان پولی را هرکدام در حساب ودیعه بگذارند. مهم‌تر آن که طرز کار حساب ودیعه نیز از پیش مشخص است و طرفین قرارداد با اطلاع دقیق از تمامی این موارد این شرطها را پذیرفته و وارد قرارداد می‌شوند.

درخصوص شبهه تطبیق آثار و احکام قمار با قراردادهای آتی با توجه به عدم تحویل کالا و تسویه معامله به‌صورت نقدی و تکیه آن بر تغییرات قیمت نیز می‌توان این‌طور استدلال کرد که مؤلفه‌های قمار با دقت در معاملات آتی مفقود است چراکه قمار در اصطلاح فقه امامیه بازی با آلات قمار یا گروبندی تعریف شده و گروبندی و شانس و تصادف و

بازی رکن قمار محسوب می‌شود اما در قراردادهای آتی طرفین معامله بدون آن که مبنا و قصد بردو باخت داشته باشند، به دنبال معامله و قرارداد هستند و نشانه‌ای از بازی یا شانس و تصادف در آن دیده نمی‌شود بلکه همه چیز در این نوع معامله و در این بازار بستگی به محاسبه و حسابگری دارد و هر تغییر در بازار علت و دلایلی دارد که بر ارباب خرد قابل کشف و تحلیل است و تحلیل‌های تکنیکال و فاندمنتال و سایر اسلوب‌های تحلیل‌گری بازار بورس نیز بر این منوال تکوین یافته‌اند و این بازار و معاملات آن را از قمار عرفی که صدرصد بسته به شانس و طاس است، متمایز و ممتاز می‌سازد و بنابراین اوصاف و احکام و آثار معاملات آتی با قمار قابل تطبیق از نظر عقلی و شرعی نخواهد بود (عیسایی تفرشی، حاجیان، محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

در جمع‌بندی مباحث مربوط به احکام و آثار قراردادهای آتی از منظر فقه امامیه می‌توان این‌طور گفت که قراردادهای آتی مطابق با آموزه‌های فقه امامیه و حتی شبیه به بعضی از عقود معین مانند جعاله از برخی جهات است چراکه در بازار معاملات آتی طرف قرارداد همواره بورس اوراق بهادار است که می‌تواند جاعل محسوب شود و طرف دیگر نیز اعم از افراد حقیقی یا حقوقی در مقام عامل هستند و جعاله نیز از نوع جعاله عام و به‌منظور ایجاد نقدینگی و بازار ثانویه خواهد بود.

در تبیین این امر می‌توان این توضیح را مطرح کرد که علمای شیعه اعتقاد دارند که ایجاب قراردادهای مالی می‌تواند به طرف عموم باشد مانند فروش مالی به قیمت معینی که به عموم پیشنهاد شود بی‌آن‌که خریدار معینی مورد نظر مالک قرار گیرد (نجفی، ۱۴۳۰ ق: ۱۸۹).

از طرف دیگر علم تفصیلی به مورد معامله در جعاله لازم نیست و علم اجمالی به موضوع عقد جعاله کافی خواهد بود (علامه حلی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۹۱).

بر همین مبنا در بورس معاملات آتی ملاحظه می‌شود که موضوع معامله کاملاً مشخص و استاندارد است و فقط قیمت معامله در اثر مرور زمان و تحت تأثیر عوامل بنیادین متغیر است؛ ولی طرفین علم اجمالی به قیمت مورد معامله دارند. به عبارت بهتر، عمل که عبارت است از قیمت کالا، متغیر است اما در این خصوص هم حداقل علم اجمالی وجود دارد فلذا در مجموع قرارداد آتی در بورس معاملات آتی می‌تواند به‌عنوان قرارداد جعاله مورد تأیید فقه امامیه به‌صورت ذیل تعریف شود:

قرارداد آتی معامله‌ای است که طرفین آن توافق می‌کنند که یک طرف به‌عنوان جاعل مقرر نماید: در صورتی که در تاریخ و زمان مقرر شده طرف مقابل متاع مشخص شده در قرارداد را جهت فروش به جاعل ارائه کند، جاعل آن را به ثمن مشخص شده در قرارداد، خریداری کند. عامل نیز عمل خواسته شده را یعنی عرضه متاع مورد نظر جهت خرید را انجام می‌دهد و جاعل عبارت است از همان حقی که جاعل به عامل می‌دهد و خود را ملزم به خرید متاع ارائه شده می‌کند.

همچنین ماهیت فقهی و دینیه معاملات آتی نیز از نوع وجه‌الضمان رایج در فقه امامیه ارزیابی می‌شود. علاوه بر آن، کیفیت تغییرات و تسویه روزانه آن نیز از باب شرط ضمن عقد فقه امامیه و اباحه تصرف مطابق ضوابط شرعی فقه امامیه است. در همین راستا کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس معتقد است که باید با استفاده از ضوابط بورس از صوری شدن معاملات قراردادهای آتی جلوگیری کرد. همچنین این کمیته اعتقاد دارد که باید نسبت به حجم معاملات کل بازار برای

هر کارگزار و فروشنده سقفی را در نظر گرفت تا از شکل‌گیری بحران‌های احتمالی جلوگیری شود. علاوه بر این از دیدگاه کمیته فقهی لازم است که برای شناسایی فروشنده آتی و میزان اعتبار او راهکارهایی تعریف شود (فرخی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۱ و ۴۲۲).

همچنین شایان ذکر است که ماهیت فقهی تسویه نقدی پیش از سررسید نیز از مصداق‌های انتقال تعهد است که با اصول مالی اسلامی تضادی ندارد. علاوه بر آن، چون تسویه نقدی در سررسید به علت موافقت با قاعده لاضرر، با هیچ‌یک از قاعده‌های مسلم فقه امامیه در تعارض نیست، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که قراردادهای آتی کالا و آتی سهام و آتی ارز فاقد اشکال از نظر فقه امامیه بوده و فقط آتی شاخص سهام است که از نظر آموزه‌های فقه امامیه دارای اشکال بوده و مجاز تلقی نخواهد شد (معصومی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰).

آثار قراردادهای آتی از یک جهت نیز به معاملات مشروط شباهت دارد که از نظر فقهی مشروع‌اند. بدین توضیح که فرد در یک قرارداد آتی نسبت به انجام معامله موضوع قرارداد متعهد می‌شود و درعین حال آگاه است که می‌تواند با انجام یک معامله معکوس از بازار آتی خارج شود و این امر فی‌نفسه منافاتی با قصد انشاء ندارد و مانند معامله مشروط محکوم به صحت خواهد بود.

## نتیجه گیری

قرارداد آتی توافقی است که به موجب آن دارائی مشخصی در زمان معینی در آینده، با قیمتی که در زمان عقد توافق شده است، معامله می شود. انعقاد قراردادهای آتی دارای ریسک قابل توجهی است بدین معنا که آنچه یک طرف قرارداد به عنوان سود معامله کسب می کند برابر با زیان طرف مقابل است، فلذا مقامات ناظر بازارهای آتی باید با اعمال سیاست‌های کاربردی و هوشمندانه از قبیل افزایش وجه تضمین اولیه و تعیین حد مجاز برای تعداد موقعیت‌های باز معامله گران حقیقی و حقوقی، حمایت لازم را از منافع عمومی و منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کالاها به عمل آورند. کشف قیمت دارایی‌ها و فراهم آوردن ابزار مدیریت ریسک دو کارکرد اصلی بازارهای آتی به شمار می آید که از طریق کارگزاران با دریافت و ثبت سفارش‌های معامله گران در سامانه مرکزی معاملات بورس و بازارگردانان با عرضه مطنه خرید و فروش به بازارهای آتی صورت می پذیرد.

کاربرد صحیح و وسیع این قراردادها در اقتصاد کشور می تواند نتایج مثبت قابل توجهی در اقتصاد کشور از جمله در حوزه‌های انرژی، صنعت، و کشاورزی داشته باشد و در پویایی اقتصاد مقاومتی از طریق تقویت بورس و تولید و در نهایت تأمین سرمایه لازم برای واحدهای تولیدی نقش بهینه خویش را ایفا کند. همچنین استفاده وسیع از این قراردادها توسط بخش خصوصی به مشارکت بیشتر این بخش در حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشور خواهد انجامید.

یکی از راهکارهای پیشنهادی این مقاله استفاده از قراردادهای آتی به جای پیش‌فروش سکه و با تسویه نقدی در سررسید و همچنین معاملات ثانویه آن است که بدین ترتیب می توان از طرفی از تزریق حجم زیاد طلا جهت اعمال سیاست‌های مالی و پولی بانک مرکزی، کاست و از طرف دیگر، با جمع‌آوری نقدینگی‌های سرگردان در دست مردم به سامان‌دهی اقتصادی کشور و جذب و هدایت سرمایه‌های بخش خصوصی در جهت سیاست‌های مالی دولت پرداخت. همچنین می توان با شناسایی و کددار نمودن و بررسی تاریخی فعالیت‌های فعالان در بازارهای ثانوی این ابزار مالی، به کنترل سفته‌بازی و جهت‌دهی صحیح این‌گونه فعالیت‌ها مطابق برنامه‌ریزی اقتصادی دولت‌ها و در راستای تأمین منافع کلان اقتصادی کشور پرداخت.

ساختار قراردادهای آتی با اصول و موازین حقوق ایران مطابقت دارد و به عنوان مصداق تعهد در برابر تعهد برای انجام بیع نقد در آینده، مخالفت و مباحثی با آموزه‌های فقه امامیه ندارد. یکی از انتقادات وارد بر قراردادهای آتی، بیشتر بودن ریسک سرمایه‌گذاری در این نوع معاملات نسبت به معاملات بازارهای سهام است فلذا سرمایه‌گذاران در بازارهای آتی به دانش تخصصی و تجربه بیشتری نیاز دارند و باید جانب احتیاط را بیشتر نگه دارند.

## فهرست منابع

## منابع فارسی

- اشراقی، مرتضی. (۱۳۹۷). *مبانی نظری و عملی قولنامه*. تهران، نشر میزان.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۸). بررسی فقهی قراردادهای آتی، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، تهران، دوره ۲ شماره ۱.
- حسینی نیک، سیدعباس. (۱۳۸۶). *مجموعه قوانین کاربردی مجدد*. تهران، انتشارات مجد.
- سلطانی، محمد. (۱۳۹۶). *حقوق بازار سرمایه*. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۵). *مجموعه مقالات حقوقی*. تهران، نشر حقوقدان.
- صالح آبادی، علی. (۱۳۹۶). *ناگفته‌های بورس*. تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.
- عبده تبریزی، حسین و خبیری، علی. (۱۳۹۷). *بازار آتی*. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). «امکان فهم مصالح و مفاسد موردنظر شارع». *مجله فقه و حقوق*، دوره ۲ شماره ۸.
- عیسایی تفریسی، محمد؛ حاجیان، محمد؛ محقق داماد، محمد مهدی و یآوری، مصطفی. (۱۳۹۰). «مقایسه قراردادهای آتی با قراردادهای قمار در حقوق انگلیس و حقوق اسلامی». *مجله پژوهش‌های حقوقی تطبیقی*، شماره ۲، سال ۱۵.
- فرخی، زهرا و فرخی، فاطمه. (۱۳۹۵). *اوراق مشتقه (مفاهیم مقدماتی و ارزش‌گذاری)*. تهران، انتشارات بورس.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد ۱، انعقاد و اعتبار قرارداد، تهران، شرکت سهامی اعتبار.
- لطفی، اسدالله. (۱۳۷۹). *ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه*. چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات مجد.
- محقق داماد. (۱۳۶۳). *قواعد فقه*. بخش مدنی، تهران، نشر علوم اسلامی.
- مصطفی نیا، علی؛ خدایی واحد، میثم و صائمین، سیدحمیدرضا. (۱۳۹۴). «بررسی فقهی قراردادهای آتی احکام و آثار آن بر مبنای فقه امامیه». *مجله اقتصاد اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۵۸.
- معصومی نیا، غلامعلی. (۱۳۸۵). «بررسی فقهی ابزارهای مشتقه». *مجله جستارهای اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۶، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- موسویان، سیدعباس. (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی (۱)*. چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

## منابع عربی

- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۵ ق). *تذکره الفقهاء*. جلد ۶، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- منتظری، حسین علی. (۱۳۸۶). *کتاب الخمس*. قم، نشر ارغوان دانش.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۷۹). *قواعد الفقهاء*. تهران، نشر عروج.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۳۰ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت، نشر دارالاحیاء التراث العربی.

## **Future contract in Iranian law and Imamiyeh jurisprudence**

### **Abstract**

Futures contracts are one of the financing tools of stock exchanges and securities markets that have recently become popular in various fields of economics such as energy, industry and agriculture. These contracts have played an important role while increasing the capacity of financial markets in the field of financial engineering and economic development of countries. The nature of these contracts is the obligation to the legal act of concluding a contract of sale in a certain future. In addition, due to considering the issue of guarantee as a condition in the contract and also the possibility of secondary adjustment of the guarantee and its possession before settlement and predicting conversion of the obligation to deliver the subject of the transaction at maturity, and in addition the possibility of taking the opposite position and dismissing the transaction before maturity and other issues, have given such contracts a unique complexity, so that from a religious and jurisprudential point of view such as gambling and the formality of the transaction and the goodness of the transaction, as well as the arrogance of the transaction, etc. have been faced. This article has tried to introduce the nature, provisions and effects of future contracts from the perspective of domestic law and compare it from the points of view mentioned in the teachings of Imamiyeh jurisprudence in order to analyze the doubts of this type of contract.

**Keywords:** futures contract, guarantee, secondary adjustment, possession of commodity, commodity exchange, reverse transaction

